

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان

دانشکده علوم انسانی

پایانامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی مبانی فقهی و جایگاه حاکمیت در الزام به

رعایت حجاب

استاد راهنما:

دکتر مهدی موحدی محب

استاد مشاور:

دکتر حمید مسجد سرائی

پژوهشگر:

فاطمه قاضی زاده

شهریور ۱۳۹۱

صور تجلسه دفاع

با تاییدات خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

به شماره دانشجویی:

در رشته:

با عنوان:

با حضور استاد (استادان) راهنما، مشاور و هیأت داوران در دانشکده علوم انسانی در تاریخ:

تشکیل گردید و در این جلسه پایان نامه (به تعداد ۴ واحد) با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت.

نامبرده نمره به عدد: حروف: با درجه دریافت نمود.

امضاء

استاد راهنما:

امضاء

استاد مشاور:

امضاء

استاد داور داخلی / خارجی:

امضاء

استاد داور داخلی / خارجی:

*****تعهد نامه*****

اینجانب **فاطمه قاضی زاده دانشجوی** کارشناسی ارشد/دکتری رشته الهیات
گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان دانشکده علوم انسانی گروه الهیات تعهد
می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی
برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و
مشاوره اساتید محترم بوده است.

نام و نام خانوادگی: **فاطمه قاضی زاده**

۱۳۹۱ / ۷ / ۲۶

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این
پایانامه (رساله) متعلق به دانشگاه سمنان است.

تقدیم به:

تمامی پویندگان طریقت و علم و معرفت

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر مهدی موحدی محب که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از جناب آقای دکتر حمید مسجد سرائی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم.

چکیده:

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نا محرم از احکام ضروری اسلام و مورد توجه ادیان دیگر از جمله یهود، مسیحیت و آئین زردشت است. صرف نظر از مباحث حقوقی چون ضرورت حجاب، مفاسد بی حجابی، حدود حجاب اسلامی و غیره، بررسی فقهی الزام حکومتی بر حجاب به عنوان یکی از مباحث بسیار مهم مطرح است.

در این نوشتار نخست کلیاتی در باب مفهوم حجاب، وضعیت حجاب در صدر اسلام، وضعیت حجاب در ادیان مختلف، پس از بررسی آیات پیرامون حجاب، نقش مصلحت در الزام به حجاب و در پایان بررسی الزام حکومتی حجاب مورد بررسی قرار گرفته است.

سوالی که در این نوشتار در پی پاسخگویی به آن هستیم این است که آیا حکومت وظیفه الزام افراد به رعایت حجاب را دارد و آیا این وظیفه از باب مصلحت است یا خیر؟

در این نوشتار سعی می شود مبانی فقهی که بر اساس آن حکومت می تواند افراد را الزام بر حجاب کند بررسی می شود. و در انتها به این نکته خواهیم رسید که حکومت بر اساس برخی مبانی می تواند افراد را الزام بر حجاب نماید.

کلید واژه ها: پوشش، حجاب، الزام، حکومت، مبانی فقهی، حاکمیت

فهرست مطالب

۱.....	بیان مسأله
۲.....	ضرورت و هدف
۳.....	پیشینه پژوهش:.....
۳.....	پرسش های اساسی پژوهش:.....
۴.....	فرضیه ها
۵.....	فصل اول: « کلیات »
۵.....	۱- مبحث اول: تعاریف
۵.....	۱-۱. مفهوم حجاب:.....
۵.....	۲-۱. مفهوم عفاف
۶.....	۳-۱. رابطه حجاب و عفاف
۷.....	۴-۱. مفهوم جلباب
۸.....	۲- مبحث دوم: حجاب در ادیان مختلف
۸.....	۱-۲-۱. تاریخچه حجاب:.....
۸.....	۲-۲-۱. حجاب در میان قوم یهود:.....
۸.....	۳-۲-۱. حجاب در ایران باستان.....
۹.....	۴-۲-۱. وضعیت حجاب در میان جاهلیت عرب
۱۰.....	۵-۲-۱. حجاب در هند.....
۱۰.....	۶-۲-۱. تاریخچه حجاب در ایران
۱۲.....	فصل دوم: مبانی حجاب اسلامی
۱۲.....	۱-۲- مبحث اول: رابطه لباس و فرهنگ
۱۲.....	۱-۲-۱. گفتار اول: رابطه حجاب با فرهنگ اسلامی.....
۱۳.....	۲-۲- مبحث دوم: آیات مربوط به حجاب
۱۴.....	۱-۲-۲. گفتار اول: زن و پوشش قبل از اسلام

۱۴	گفتار دوم: زن و پوشش در اسلام.....
۲۴	۲-۳. مبحث سوم: دلایل اجتماعی.....
۱۸	گفتار اول: دلیل کتاب.....
۱۹	۲-۳. گفتار دوم: حوزه اول جامعه و زندگی اجتماعی.....
۲۰	۲-۳. گفتار سوم: حوزه دوم خانواده.....
۲۷	۲-۴. مبحث چهارم: گستره حجاب در روایات.....
۲۷	۲-۵. مبحث پنجم: اجماع.....
۲۸	فصل سوم: بررسی نقش مصلحت و احکام حکومتی در ارتباط با قواعد شرعی.....
۲۸	۳-۱. مبحث اول: طرح موضوع.....
۲۹	۳-۲. مبحث دوم: جایگاه احکام حکومتی و مصلحت از دیدگاه فقه شیعه.....
۲۹	۳-۲-۱. گفتار اول: نگرش مقدماتی بر حکم حکومتی در فقه و منابع آن:.....
۳۳	۳-۲-۲. گفتار دوم: تاریخچه احکام حکومتی در اسلام.....
۳۵	۳-۳. مبحث سوم: حکم حکومتی و عناصر آن.....
۳۸	۳-۴. مبحث چهارم: مردم و احکام حکومتی در منابع اسلامی.....
۴۱	۳-۵. مبحث پنجم: اجرای احکام شرعی.....
۴۸	۳-۶. مبحث ششم: مخالفت با احکام حکومتی (امکان مخالفت مکلف با حکم حاکم).....
۴۸	۳-۶-۱. گفتار اول: تمیز حکم حکومتی از برخی عناوین قابل اشتباه:.....
۴۹	۳-۶-۲. گفتار دوم: روایات اطاعت از حکومت:.....
۵۱	فصل چهارم: مبانی فقهی حجاب و مسئولیت دولت اسلامی.....
۵۱۵۱	۴-۱. مبحث اول: طرح مسأله:.....
۵۲	۴-۲. مبحث دوم: بررسی و تحلیل مبانی فقهی مسئولیت دولت در رابطه با حجاب.....
۵۲	۴-۲-۱. مبنای نخست: خاستگاه فقهی و فلسفه حکم حجاب.....
۵۹	۴-۲-۲. مبنای دوم: نقش حکومت در حوزه خصوصی افراد.....
۶۱	۴-۲-۳. مبنای سوم: نسبت حکومت با حفظ شعائر و اهانت به مقدسات.....
۶۲	۴-۲-۴. مبنای چهارم: امر به معروف و نهی از منکر و نسبت آن با حکومت اسلامی:.....
۶۵	۴-۲-۵. مبنای پنجم: نسبت حجاب با مسئولیت های حکومت اسلامی:.....

۳-۴. مبحث سوم: پاسداری از نظام و تأمین نظم اجتماعی و امنیت عمومی.....	۷۴
۱-۳-۴. گفتار اول: ساز و کارهای حقوقی.....	۷۹
۲-۳-۴. گفتار دوم: حمایت، تأمین و کمک به حقوق عمومی و حقوق مشترک.....	۸۲
۳-۳-۴. گفتار سوم: تعادل بخشیدن مسئولیت های اجتماعی.....	۸۳
۴-۳-۴. گفتار چهارم: تأمین حقوق مذهبی.....	۸۶
۴-۴. مبحث چهارم: نسبت حکم حجاب و قانون.....	۸۷
فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری:.....	۸۹
فهرست منابع.....	۹۱

بیان مسأله

یکی از مهم ترین مفاهیم دینی که بحث از آن همواره مورد توجه محافل مختلف فرهنگی و اجتماعی بوده مفهوم «حجاب» است. در علم فقه مراد از حجاب، پوشش خاص زنان است که همه بدن را به جز صورت و کف دو دست تا میچ را شامل می شود.

این واژه در آیات و روایات نیز بکار رفته اما معنای لغوی آن مانع و حائل است.

گزارش های متعدد تاریخی ضمن آنکه مؤید وجود گونه های مختلف پوشش در میان اقوام و ادیان مختلف است: فطری بودن این مقوله را مورد تأیید قرار می دهد. بر این اساس به نظر می رسد علی رغم فطری بودن حجاب در میان بشر، ادیان الهی از آن جهت که مبتنی بر فطرت الهی بنیان نهاده شده اند به متعین بودن این موضوع در قالب شریعت های خود مبادرت ورزیده اند. و در این میان دین اسلام بر ضرورت آن تأکید فراوان نموده است.

پوشش زن در برابر نامحرم از ضروریات دین اسلام بشمار می رود که در روایات وارده از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) و پیشوایان معصوم و نیز کلمات فقها به وجوب و کیفیت آن تصریح شده است. در این نوشتار این مسئله بررسی می شود که آیا حجاب که تکلیفی شرعی است حکومت نیز می تواند مردم را امر به حجاب کند و انرا تکلیف همگانی قرار دهد یا خیر؟ و آیا در صورت عدم رعایت حجاب حکومت می تواند ضمانت اجرای کیفری برای افراد در نظر بگیرد یا خیر؟ مسئله بررسی مبانی فقهی است که بر اساس آن اختیارات دولت در زمینه تکلیف به حجاب مشخص خواهد شد.

ضرورت و هدف

با توجه به اینکه در دوران جمهوری اسلامی به عنوان یک تجربه کم نظیر، مسئله حجاب تبدیل به یک حکم حکومتی شد و ضمانت اجرای کیفی هم برای آن تعیین شد (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹).

و همچنین با توجه به هزینه های مالی و فرهنگی فراوانی که در این زمینه صرف می شود، این پرسش اساساً از سوی افراد زیادی مطرح است که آیا حکومت ها وظیفه ای در اینباره دارند یا خیر؟ آیا اجبار از سوی نهاد دولت به لحاظ مبانی فقهی - حقوقی صحیح است یا خیر؟ این مسئله تبدیل به یک چالش مهم در زمان حاضر شده است که تحقیق و یافتن پاسخ پیرامون آن را ضروری می سازد.

هدف این تحقیق آن است که با ارائه پاسخی در خور، راه را برای تعامل بیشتر نهادهای فرهنگی کشور به منظور رسیدن به راه کارهای اجرایی مناسب فراهم آورد.

پیشینه پژوهش:

در منابع و کتب فقهی، در مبحث صلاة و نکاح درباره حجاب و ضرورت آن بحث شده لیکن هیچ سخنی از الزام حکومتی بر حجاب مطرح نشده است. همچنین با وجود آنکه عالمان و فقیهان درباره حجاب، ضرورت آن و مفاسد بی حجابی رساله و مقالات فراوانی نگاشته اند اما درباره الزام بر حجاب جز چند مقاله محدود، یافت نگردید. از جمله این مقالات می توان به مقاله « نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب: محمد علی ایازی»، «درآمدی بر مسئولیت نظام اسلامی در پاسداری از پاکدامنی و عفت عمومی محمد حسین محمودی» و تحلیل بر حکم یا حق بودن حجاب: از سید ابوالقاسم نقیبی اشاره کرد.

این مقالات هر چند در انجام تحقیق کمک بسیاری کردند لیکن طوری نبود که ما را از انجام کندوکاو در این زمینه بی نیاز کند.

پرسش های اساسی پژوهش:

در سده اخیر موضوع پوشش زنان همواره مورد توجه جوامع اسلامی، اندیشمندان و دولت ها بوده است. پیرامون این موضوع، مسائل مختلفی مطرح می شود. از این میان، چگونگی مواجهه حکومت با موضوع حجاب مسأله بحث برانگیزی است.

پرسش های اساسی که این نوشتار در صدد پاسخگویی به آنهاست عبارتند از:

۱) هدف از حجاب چیست؟

۲) آیا با توجه به مبانی، حجاب را می توان به عنوان یک تکلیف فراگیر از سوی دولت در نظر گرفت؟

۳) آیا در مورد حکم حجاب الزامی، دلیل خاصی در میان منابع فقهی وجود دارد یا صرفاً حکم حکومتی و تابع ضوابط و مصلحت است؟

۴) آیا الزامی بودن حجاب توسط حکومت، تبعاتی دارد؟

فرضیه ها

۱) هدف از حجاب سالم بودن روابط برای ایجاد امنیت حضور زن در متن جامعه و سلامت روانی زن و مرد است.

۲) الزامی بودن حجاب بدون فرهنگ سازی ممکن است تبعاتی به دنبال داشته باشد.

۳) حکومت می تواند بر اساس ضوابط و مصلحت، حکم به وجوب حجاب نماید.

ساختار پژوهش

در راستای بررسی فقهی الزام حکومتی بر حجاب، مطالب مربوط در چهار فصل تنظیم شده است. فصل نخست راجع به حجاب، واژه شناسی حجاب و بررسی حجاب در ادیان مختلف اختصاص یافته است.

با توجه به اهمیت طرح موضوع حجاب در قرآن کریم در فصل دوم آیاتی از قرآن کریم درباره حجاب بیان شده است. و همچنین به پاره ای از روایاتی که در ضرورت حفظ حجاب آمده اشاره شده است.

فصل سوم به بررسی نقش مصلحت در تنظیم احکام می پردازد و فصل آخر در مورد الزام حکومتی حجاب، مبانی و ادله بحث می کند.

فصل اول: «کلیات»

۱- مبحث اول: تعاریف

۱-۱. مفهوم حجاب:

به گفته اهل لغت، واژه حجاب به صورت متعددی و به معنای در پرده قرار دادن بکار می رود. در تعریف آن آمده است: حَجَبْتُ الشَّيْءَ... اذا ستره، و الحجاب الستر. حجاب پوششی است که روی شیء قرار می گیرد و حجاب یعنی پرده (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۸۵۳).

فیومی این واژه را این چنین توضیح می دهد، حَجَبَ فَعْلَى متعددی است و به معنای مانع شدن بکار می رود، به پرده، حجاب می گویند زیرا مانع از دیدن است و به دربان حاجب گفته می شود زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می گردد، ولی موانع معنوی نیز حجاب گفته می شود (فیومی، بی تا، ص ۱۲۱).

حاصل آنکه جستجو در کتب لغت و تأمل در تعاریف واژه حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد: مفهوم اول: پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیده افراد خارج کردن است که این معنا از کلمه ستر و مانند آن قابل استفاده می باشد.

مفهوم دوم: جدا کردن دو چیز، مرز گذاشتن میان آنها و فاصله انداختن بین دو امر است که این معنا از واژه های حائل، مانع و حاجز مستفاد است.

۱-۲. مفهوم عفاف

واژه عفاف به فتح عین، مصدر ماده «عَف» می باشد که مصدر دیگر آن «عَفِه» است و این دو دقیقاً به یک معنا می باشد و به جای یکدیگر بکار می روند.

کتاب «العین» عفت را اینگونه تعریف کرده است: « عفت » خودداری از چیزی است که حلال نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۲۳۸).

ابن منظور در تعریف واژه عفاف می گوید: خودداری از عمل یا سخنی که حلال یا نیکو نیست (بی تا، ص ۲۵۳).

راغب اصفهانی می گوید: عفت، حالت درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود (۱۳۶۳، ۷۵۰).

۱-۳. رابطه حجاب و عفاف

توجه به مبانی و تعاریف ذکر شده در باب حجاب و عفت در پوشش و دقت و تأمل در آنها این حقیقت را آشکار می سازد که وجوه تمایز مختلفی میان این دو مفهوم وجود دارد به گونه ای که نمی توان به سادگی این دو را مترادف و هم معنی دانست، هر چند که اشتراکاتی هم با یکدیگر دارند.

مراد از حجاب طبق تعریف فقها، پوششی است که همه بدن را به جز صورت و دستها تا مچ از نا محرم بپوشاند.

حال آنکه عفت در پوشش یعنی رعایت کردن اصول و قواعد اخلاقی در نحوه پوشش که منشأیی درونی دارد.

بارز ترین تمایز این دو مفهوم آن است که حجاب یک تکلیف و حکم شرعی است، حال آن که عفاف فضیلتی اخلاقی است. واضح است که خاستگاه و منشأ فضائل اخلاقی نفس و درون انسان است به همین دلیل است که میان همه انسان ها در همه اعصار و قرون، از گذشته تا حال، از عفت در پوشش می توان نشانی یافت، چرا که فطرت و طبیعت درونی همه آدمیان یکسان و مشترک است (سوره روم/۳۰).

اما حجاب ریشه و حیانی دارد که شرع مقدس اسلام بر آن تأکید فراوان دارد و بر این اساس معتقدان حقیقی به این دین طرفداران و مراعات کنندگان آن هستند. (مرتضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

وجه افتراق دیگر آنکه، خد حجاب بصورت واضح و متمایز در شرع اسلام ملاک روشنی دارد. اما عفاف اینگونه نیست؛ بدین معنا که عفاف نزد جوامع و ملل مختلف با آداب و رسوم متفاوت و در زمان های

گوناگون متفاوت است. از این رو ممکن است در زمانی یا در جامعه ای پوشش خاصی عقیفانه باشد و در جامعه دیگر عفت تلقی نشود یعنی تمایز در مصادیق عفاف است.

۴-۱. مفهوم جلباب

ریشه لغوی جلباب، جیم، لام و باء است. واژه جلباب در اصل مصدر فعل رباعی جَلَبَبَ است که از مصدر، اسم ذات اراده شده و نام پوشش ویژه ای قرار گرفته است.

کتاب های لغوی مثل: العین، لسان العرب، المصباح المنیر، المعجم الوسیط، تاج العروس اتفاق نظر دارند که مفهوم جلباب پوشش گسترده است ولی در اندازه آن اختلاف نظر وجود دارد.

۲- مبحث دوم: حجاب در ادیان مختلف

۱-۲-۱. تاریخچه حجاب:

در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آنچه در اسلام آمده، سخت تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است (ویل دورانت، ۱۳۷۲، ص ۳۰).

۱-۲-۲. حجاب در میان قوم یهود:

راجع به قوم یهود آمده است:

«اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت چنانکه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سنخی از مردان دردل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهند (ویل دورانت، ۱۳۷۲، ص ۳۰).

بنابراین حجابی که در قوم یهود معمول بوده از حجاب اسلامی بسی سخت تر و مشکل تر بوده است. در زمان زرتشت زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می کردند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

۱-۲-۳. حجاب در ایران باستان

پس از داریوش مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در میان زنان دیگر، گوشه نشینی زمان حیض که بر ایشان واجب بود رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعیشان را فرا گرفته و این امر خود مبنای پرده پوشی در میان مسلمانان به شمار می رود. زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آنرا

نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند، هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردم آمیزش کنند.

زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی اگر چه پدر یا برادرشان باشد را ببینند.

در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان بنظر نمی رسد. «کنت گوینو» نیز معتقد است که حجاب شدید دوره ساسانی، در دوره اسلام در میان ایرانیان باقی ماند.

او معتقد است که آنچه در ایران ساسانی بوده است تنها پوشیدگی زن نبوده بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است. مدعی است که خودسری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بود که اگر کسی زن زیبایی در خانه داشت نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد و حتی الامکان او را پنهان می کرد زیرا اگر معلوم می شد که چنین زنی در خانه اش هست دیگر مالک او و احیاناً مالک جان خودش هم نبود (کنت گوینو، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

۱-۲-۴. وضعیت حجاب در میان جاهلیت عرب

ارتباط عرب با ایرانیان از موجبات رواج حجاب و لواط در قلمرو اسلام بود. عرب ها از دلفریبی زن بیم داشتند و پیوسته دلباخته آنان بودند و نفوذ طبیعی وی را با تردید مردان درباره عفاف و فضیلت زن تلافی می کردند. عمر به قوم خود می گفت: با زنان مشورت کنند و خلاف رأی ایشان رفتار کنند.

ولی به قرن اول هجری مسلمانان زن را در حجاب نکرده بوده، مردان و زنان با یکدیگر ملاقات می کردند و در کوچه ها پهلوی به پهلوی می رفتند و در مسجد با هم نماز می کردند. حجاب و خواجه داری در ایام ولید دوم (۱۲۶-۱۲۷ هجری) معمول شد. (همان)

آنگونه که از گفته «ویل دورانت» بر می آید گویی در زمان پیغمبر کوچکترین دستوری درباره پوشیدگی زن وجود نداشته است و پیغمبر فقط از پوشیدن جامه گشاد نهی کرده بوده است. و زنان مسلمان تا